

## آثار تاریخی جلگه شاپور\*

دکتر بهمن کریمی

### صحرای شاپور

در جلگه شاپور دهات بسیار است و رودخانه از میان آن جلگه می‌گذرد. در سه سمت جلگه کوه است و سمت دیگر که جنوب شرقی آن باشد صحرائی باز. در تمام صحرای شاپور آثار عمارت و ابنیه و آتشکده و مانند اینها دیده می‌شود. معلوم است که شهری به غایت عظیم بوده.

بعضی از دهات صحرای شاپور در یک طرف رودخانه واقع است و برخی در طرف دیگر. در جانب شمال شرقی آن تنگی است که شعبه‌ای از رودخانه مذکور از آن تنگ می‌آید و در آن تنگ صورت‌هاست و در آنجا نیز اشگفتی و دخمه‌ای است و آثار دیگر نیز هست که شرح آنها مرقوم خواهد شد.

دو رودخانه در آن جلگه جاری است یکی از همین تنگ است که آن را **تنگ چوگان** می‌گویند و این دو رودخانه دو سرچشمه دارد یکی در **رنجان** است و دیگری در جائی موسوم به **چشمه ساسان** و آن نزدیک **نقش شاپور** است. در تنگ چوگان این دو چشمه مزبور رودی تشکیل داده و از تنگ داخل جلگه شاپور می‌شوند.

اما رودخانه دیگر، منبع آن نیز در دو موضع است. یکی سرچشمه‌ای است موسوم به **چشمه سرایشیب** که در خود جلگه می‌باشد. در دامن کوهی در شمال

---

\*. بررسیهای تاریخی، اسفند ۱۳۴۵، شماره ۵ و ۶، صص ۹۸۵-۹۹۱.

شرقی جلگه - دیگری در مکانی است که آنجا را **چنار شایجان** می‌خوانند، در سمت شمال جلگه به مسافت ۶ کیلومتری قرار دارد.

این دو چشمه نیز یکی گشته، رودی تشکیل می‌دهند و در صحرای شاپور این دو رودخانه به هم متصل شده از جلگه گذشته به سمت **خشت** و از آنجا هم به رودخانه **دالکی** یکی شده در کنار **بندر بوشهر به خلیج فارس** می‌ریزد. شهر قدیم شاپور متصل به آب رودخانه شاپور است که تمام این محوطه را **شاپور خوره یا خوره شاپور یا گوره شاپور** می‌خواندند.

این شهر یکی از پنج محل ایالت فارس بوده که یک قسمت از فلات جنوبی ایران را در سواحل خلیج تشکیل می‌داده و به سلاطین **هخامنشی** تعلق داشته است.

بعد از فتح **اسکندر** و حکومت جانشینان او، این ناحیه نیز در تحت تسلط آنان درآمد و کم‌کم به **پارت‌ها** منتقل گردیده سپس محل نشو و نمای ساسانیان شده است.

**شاپور** یکی از شهرهایی شد که جلب توجه **ساسانیان** را به خود نمود، چه این شهر دارای مناظر طبیعی خوب و آبی بس فراوان و در دره‌ای واقع است که ۱۵۰ کیلومتر از هر طرف ممتد می‌باشد و می‌توان آن را چهارراه و محل ارتباط راه‌های کشور قدیمی ایران دانست. بدین ترتیب که از یکطرف به **بین‌النهرین و شوش و تیسفون** و از طرف دیگر به **فیروزآباد** و راه سوم به **استخر** و راه چهارم به دریا مربوط می‌شده است.

**شهر شاپور** کنونی به توسط **شاپور اول** در روی خرابه شهر قدیمی که در زمان اسکندر رو به خرابی رفته بوده بنا شده است.

در سال ۱۶ هجری (۶۳۷ میلادی) به دست مسلمین فتح گردیده و آن را شاپور یا وه شاپور یا شهرستان نامیدند.

مقدسی جغرافی‌دان معروف در قرن چهارم هجری (دهم میلادی) آن را نیمه خراب ذکر می‌کند.

ابن‌البلیخی دو قرن بعد اظهار می‌دارد که: این شهر آبادی بسیار، از جدیت سلاطین سلجوقی یافت.

در زمان حکمرانی امرای شبانکاره، خصوصاً ابوسعید محمدبن ماما این شهر باز سروصورتی به خود گرفت و رو به آبادانی رفت ولی این آبادانی مدت مدیدی طول نکشید؛ چه در قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) جز خرابه‌ای در دره‌ای و غاری چیز دیگر به نظر نمی‌رسد.

در قرن سیزدهم هجری (قرن نوزدهم میلادی) این مکان نیمه خراب که عظمت قدیمی و شوکت واقعی خود را حفظ نموده بود طرف توجه عاشقان علم تاریخ و خصوصاً باستان‌شناسان قرار گرفت و جلب نظر سیاحان را نمود.

در سال ۱۸۰۹ میلادی: موریه انگلیسی Morier

در سال ۱۸۴۵ میلادی: بارون دوبد Baron de Bode

در سال ۱۸۵۱ میلادی: فلاندرن و کست Flandin et Coste

در سال ۱۸۸۴ میلادی: دیولافوا Dieulafoy

و در عصر حاضر زاره و هرتسفلد Sarre et, Hertzfeld

و این جهانگردان دانشمند در این حجاری‌ها مطالعات عمیقی نمودند.

تالبورایس (Talbot Rice) نیز که این مکان را دیده مقاله‌ای در مجله صنایع اسلامی Artsislamic در این خصوص نوشته است. اما تا سال (۱۳۱۴ شمسی - ۱۹۳۵ میلادی) هیچ‌یک از متخصصین و باستان‌شناسان در این محل کاوش ننموده و کمانه‌زنی هم نکرده‌اند.

تا اینکه هیئت وزیران در جلسه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی) بنا بر خواست مسیو گیرشمن (Mr. Chirshman) فرانسوی نماینده موزه لوور پاریس و رئیس هیئت حفاری تپه سلیک کاشان تصویب نمودند که اجازه حفاری در شاپور واقع در دوازده کیلومتری کازرون به نام مشارالیه برای مدت سه سال داده شود و نامبرده پس از تحصیل این اجازه رسمی از دولت ایران، با میسیون خود: مسیو هاردی (Mr. Hardi) نقشه‌کش و آزادخان عکاس برای حفاری و خاکبرداری در شهر شاپور آماده کار شدند.

مدت چهارسال همه ساله این هیئت در شهر شاپور هر سالی سه الی چهار ماه در فصل پاییز و زمستان حفاری نمودند و نمایندگان اداره کل باستان‌شناسی ایران به ترتیب: آقای تقی علی‌آبادی - مرحوم صهبا ( دو سال) و مرحوم ضرغام بودند.

این کاوش از سال ۱۳۱۴ خورشیدی شروع و تا سال ۱۳۱۸ ادامه داشته است.

#### اشکفت شاپور<sup>(۱)</sup>

در بالای گردنه یکی از این کوه‌ها به ارتفاع ۶۰۰ متر در صفت طبیعی و کوچکی غاری طبیعی دیده می‌شود و این دخمه از آثار بسیار غریب است.

از تنگ چوگان به مقدار سه کیلومتر در طرف دست راست، در همان کوهی که نقش ساسانیان در آن است بر بالای کوه دخمه‌ای است و دهانه آن رو به جنوب است. رفتن در آن غار به تنهایی ممکن نیست بلکه باید چند نفر با هم باشند. زیرا جایی مخوف و هولناک است و ورود به داخل آن اشکفت هم بدون چراغ و روشنایی مشکل است و چون این اشکفت طبیعی است وصول به انتهای آن دشوار است.

از دامنه کوه به مقدار سه کیلومتر سر بالایی و سنگلاخ که معادل سی کیلومتر است و بسیاری از جاها پرتگاه (و به قول لرها کمر). چون بالا رویم در نزدیکی آن غار صعوبت دیگری پیش می‌آید؛ چه آنجا از قطعه‌ای از کوه که مانند دیوار صاف است، به ارتفاع سه متر باید با چهار دست و پا بالا رفت تا به درون غار رسید و بالا رفتن از آن به طوری سخت است که شخص مرگ را در جلوی چشم خودش می‌بیند؛ چه در زیر پای شخص دره بسیار سرایشیب و عمیقی واقع شده و بدتر از همه آنکه در روی سنگ سه متری صاف، جایی برای درنگ نیست.

عرض دهانه غار ۱۵ متر و ارتفاعش کمتر از آن است، اما وسعت داخلی آن عرضاً متجاوز از ۱۵ متر و طول غار بسیار است.

#### تصویر ۱ - مدخل غار شاپور را نشان می‌دهد

سابقاً به محض ورود به داخل غار، در ۱۵ قدمی مجسمه شاپور را شکسته و افتاده می‌دیدیم که هشت متر ارتفاع داشته و آن را از یک گل فهشنگ

غار تراشیده بودند، به طوری که سرش به سنگ سقف غار و پایش به سنگ‌های کف غار متصل بوده است. منتهی در نتیجه زلزله ممتدی که در آن مکان به ظهور رسیده و یا به دست افرادی، دو پای این مجسمه گرانها از بین رفته است.<sup>(۲)</sup>

**شاپور** در این پیکره تاجی مدرج بر سر دارد، ریشش کوتاه و مجعد است و گیسوانش خیلی انبوه و حلقه حلقه از دو طرف بر دوشش ریخته، گردن‌بندی به گردن افکنده و شمشیری حمایل نموده است.

در عقب آن، به مسافت چند قدمی، دو حوض است که به شکل مربع مستطیل در سنگ حفر نموده‌اند. اولی ۳ متر طول و ۲ متر عرض و دومی ۱/۵ متر طول و یک متر عرض دارد. و هر دو حوض در جنب هم واقع شده‌اند. از سقف این غار از همه طرف آب چکیده و گل فهشنگ‌های زیبا و تماشایی درست کرده. حتی شکل حیوانات را نیز در روی سنگ‌ها می‌توان مجسم نمود.

در بدنه و جدار این غار از دو طرف آثار و علامت صورت‌هایی دیده می‌شود به این معنی که دیوار را صاف و هموار نموده و طرح صورت‌ها بر آن ریخته‌اند اما ناتمام مانده است.

از این حوض‌ها به بعد غار تاریک می‌شود و احتیاج به روش کردن شمع یا چراغ است. در این غار سرازیری و سربالایی بسیار وجود دارد و حوض‌هایی چند یافت می‌شود. مخصوصاً حوضی شبیه به نعل (هلالی) که دور تا دور آن از ۲۰ متر متجاوز بوده و به طوری در سراسیمی ساخته بودند که یک طرف آن یک کمتر و طرف دیگر ۱/۴ متر عمق داشت.

عکس‌برداری در این غار به علت تاریکی میسر نمی‌شد و چون انتهای غار به شعبات مختلف منقسم می‌شود شخص مجبور می‌شود که توسط علامات و

آثار مانند بستن نخ به سنگ‌ها و ایجاد علامت‌های مشخصه بین راه، بتواند مراجعت کند.

کاوش توسط هیئت حفاری فرانسوی‌ها به ریاست مسیو گیرشمن و همراهان در دو محل اصلی به عمل آمده است.

۱- در اطراف محلی موسوم به آتشکده

۲- در اطراف محلی مخصوص به نام مکان مقدس.

### آتشکده

این محل یک ساختمان مربعی شکل است که هر ضلع آن ۱۴ متر می‌باشد. سطح زمین آتشگاه سابقاً هفت متر پایین‌تر از ساختمان کنونی بوده، چه مراسم آتش‌پرستی را در زیرزمین و از نظر مردم مخفی می‌داشتند. در زیر زمین‌های این تالار یک دخمه طاق‌دار که دارای بیست پله‌کان بوده سابقاً تعبیه شده که به درون آن زیرزمین می‌رفته. دیوارهای اطراف آن دارای سنگ‌های حجاری شده بوده است.

ضخامت این دیوارها ۲/۳۰ متر ولی دیوار شمالی کاملاً محفوظ مانده و ۱۴ متر می‌باشد.

در روی این دیوار دو حجاری موجود است که شکل یک گاو را که زانو به زمین زده نشان می‌دهد. همچنان‌که در سر ستون‌های هخامنشی این حیوان مشاهده شده است.

روی زمین آتشگاه خاکسترهایی موجود بوده که می‌توان حدس زد سقف آن از چوب ساخته شده.

دالان تاریکی شخص را به دهلیزی هدایت می‌کند که از دهلیز به وسیله دری وارد جوی‌هایی می‌شوند که جهت فاضل‌آب ساخته شده بوده است. این آتشگاه شباهت کاملی به تمام آتشگاه‌های دیگری که در ایران ساخته شده است دارد و شباهت بسیاری نیز به معبد آفتاب در شهر هاترا واقع در بین‌النهرین داشته است.

در قصر شیرین کرمانشاه و گل دختر خراسان و ژیرا (جیرا) بین کازرون و فیروزآباد آتشگاه‌های دیگری قرین همین آتشگاه بوده است و تمام این آتشگاه‌ها یک شکل و روی یک نقشه مربع و هر کدام دارای چهار در ورودی ساده بودند و در سقف بعضی از این آتشگاه‌ها سوراخی نیز مشاهده می‌شود.

هر یک از این آتشگاه‌ها در مکان‌های مختلفه ایران به اسمی موسوم بوده: مثلاً در قصر شیرین به اسم چهارقاپو، در فارس به نام چهار طاق در شاپور به نام آتشگاه و در دوره‌های اسلامی خانه‌های زیادی هم در اطراف این آتشگاه‌ها ساخته بودند.

اطاق‌ها و تالارهای این معبد در سال دوم و سوم کاوش‌های هیئت مزبور از زیر خاک بیرون آمده است. همچنان‌که تالار مرکزی آن در سال دوم از زیر خاک بیرون آمد و سنگ‌های بسیاری این تالار را تا نیمه پر نموده بود و دیوارها همه شکسته و افتاده بودند؛ چه این مکان از زلزله بسیار صدمه دیده بود. زمین این تالار از سنگ‌های بزرگ (۹۰٪ × ۹۰٪ متر) مفروش بوده و اکنون هم دیده می‌شود. آتش مقدس در این تالار برای همیشه شب و روز به‌توسط نگهبانی



روشن بوده است و نور خورشید و اشعه آن در این تالار به زحمت داخل می-  
شده است.

در ضمن کاوش در زاویه شمالی تالار مرکزی، اطاق کوچکی نمایان شد  
که گویا مکان ادعیه و اوراد و یا انزوا بوده است؛ چه در گوشه‌ای چنان ساخته  
شده که از نور روز بی بهره مانده و به کلی تاریک است.

در گوشه غربی این معبد حوضی جهت جمع شدن آب ساخته بوده‌اند که  
از آنجا آب را با تمپوشه‌های گلی به اطراف می‌برده‌اند و این تالار مجراهایی  
جهت خروج آب داشته که از خاک پر شده و از بین رفته است.

### بناهای مقدس

در ۵۲۵ متری مغرب آتشگاه، مکان دیگری از زیر خاک بیرون آمد و دو  
ستون سنگی در آنجا کشف شد و قطعات سرستون و پایه ستون و نیز خانه‌ها و  
خرابه‌هایی در آن اطراف نمایان گردیده است. ستون‌ها از کمر شکسته و هرکدام  
از ستون‌ها دارای یک سرستون که بسیار زیبا حجاری شده بود به نظر می‌رسید.  
طول این ستون‌ها ۳/۳۰ سانتی‌متر و قطر پایه آنها ۷۰ سانتی‌متر و قطر بالا ۶۰  
سانتی‌متر روی طرف راست این ستون کتیبه‌ای به دو زبان پهلوی ساسانی و  
اشکانی منقور شده که مسیو گیرشمن آن را کپی کرده است و ترجمه آن بعد  
خواهد آمد.

از مطالعه این کتیبه معلوم می‌شود که بنای مقدس به افتخار شاپور اول در  
سال (۲۶۶ میلادی) ساخته شده است.

بعضی از علمای علم آثار باستان را عقیده بر آن است که چون در زمان  
شاپور رابطه ایران و روم بسیار بوده و رفت و آمدهای زیاد بین این مملکت برقرار

گردیده صنعتگران بسیاری از روم به ایران مسافرت کرده و متوطن شده‌اند و بدین جهت تأثیر معماری رومی در این آثار نمایان است.

این تأثیرات در تمام عمارات و ابنیه شاپور هویدا و آشکار است و می‌توان گفت که صنعت در این دوره رنگ صنعت رومی دارد بدین معنی که اصل صنعت از ایران و ظواهر آن از روم است.

در این مکان مجسمه شاپور به‌دست نیامده ولی قطعات مرمری که قسمتی از مجسمه را تشکیل می‌داده پیدا شده است. از طرف دیگر از دوره اسلامی بعضی مسکوکات و بعضی قطعات برنز و مرمر نیز به‌دست آمده است.

در سال‌های بعدی نیز کاوش در این محل ادامه یافته و پس از خاکبرداری دوره اسلامی، خانه‌ها و کلبه‌ها متعلق به آن عهد ( آثار ساسانیان) که در زیرزمین مستور و مخفی بود، نمایان گردیده است.

گذشته از قصور، آثار مختصر دیگری از قبیل کوزه‌های سفالین منقوش کوچک و بزرگ، قطعات برنز و شیشه‌های کوچک به‌دست آمده که متعلق به قرن ششم بعد از اسلام و دوره مغول می‌باشد.

اینک عین کتیبه منقول بر روی ستون معبد که به دو زبان پهلوی ساسانی و اشکانی بوده و در ۱۶ سطر نوشته شده نقل می‌شود:

در ماه فروردین سال ۴۸ از تاریخ آتش.

اردشیر و سال سی از آتش شاپور.

شاه مؤبدان سال ۲۴ این است مجسمه که در مقابل شاپور زانو زده است.

مزدپرست شاپور خدا شاه شاهان.

ایران وانیران (غیر ایران) نژاد.

پاک خدایان پسر مزدپرست اردشیر خدا.

شاه شاهان ایران نژاد.  
 خدایان نوه پاپک خدا این آثار توسط.  
 آپاسای منش از شهر حران.  
 که شهر خانواده او می باشد برای پادشاه خود.  
 مزدپرست شاپور خدا.  
 شاه شاهان ایران وانیران.  
 نژاد خدایان ساخته است.  
 وقتی که شاه شاهان این تصویر را دید.  
 به آپاسای منشی خلعت بخشید.  
 از طلا و نقره و یک باغ و یک معبد.

در سال دوم و سوم نیز در قصری از قصور ساسانیان مختصر حفاری به -  
 عمل آمد و گچبری‌هایی کشف شد.

### قصر

پس از مدت سه هفته کاوش و خاکبرداری آثار دوره اسلامی خرابه‌های  
 قصور ساسانیان پیدا شد که پس از برداشتن طاق تالار، سنگ و خاک بسیاری  
 تمام این تالارها را پر کرده بود. زمین و سطح این تالار بزرگ یک متر از سطح  
 معبد بالاتر و به شکل هشت گوش ساخته شده بود که به توسط چهار دالان  
 محاط می شد و در اطراف نیز درهایی داشته است.

دورتادور این تالار به طرف قصور ساسانیان در فیروزآباد که اردشیر اول  
 ساسانی بنا کرده، گچبری‌هایی بسیار ظریف به نظر می رسید و یک ناحیه داخل  
 این بنا دارای شش دیوار کوچک که باز به توسط گچبری مزین شده بود، نمایان  
 شد. نقوش اغلب به رنگ سیاه و قرمز و تمام دیوارها و دالان‌ها و سردرهای این

تالار را گچ‌بری‌های زیبای رنگین مزین می‌ساخت که اغلب به رنگ قرمز جلوه‌گری می‌کرد.

عرض تالار از یک در تا در دیگر ۳۷ متر و در قسمت مرکزی یک مساحتی به ۲۲ مترمربع ساخته بودند و روی زمین این تالار قطعاتی از گچ‌بری‌های زیبا با رنگ‌های مختلف: سیاه، آبی، قرمز و قطعاتی بسیار زیبا و ظریف دیگر از دوره ساسانیان به دست آمده است.

این تزئینات و این گچ‌بری‌های زیبا چنان‌که گفته شد شباهت زیادی به گچ‌بری‌های کاشان، تیسفون و دامغان داشتند و می‌توان جهت مقایسه بین عموم این گچ‌بری‌ها یک بز کوهی را طرف مطالعه قرار داد.

این حیوان در قصوری به همین طرز در حال دو و پرش دیده می‌شود و ذوق صنعت‌گران ساسانی را هم نشان می‌دهد. این نقش در طاق بستان نیز حجاری شده و بر روی ظروف نقره ساسانیان هم نمایان است.

### تنگ چوگان

در سمت شمال شرقی جلگه شاپور تنگی است که آن را تنگ چوگان می‌نامند و رودخانه‌ای از میان آن تنگ می‌گذرد. در سمت راست رودخانه دو حجاری دیواری موجود است.

حجاری اولی سمت است به ارتفاع چهار متر و نیم و به عرض ده متر و در روی آن صورت سواری را نقش کرده‌اند که شباهت به صورت‌های نقش رستم

دارد. در زیر پای اسب شاپور یک نفر خوابیده و در مقابل او شخصی زانو زده که در حال تضرع می‌باشد و گفته‌اند این موضوع فتح والرین را نشان می‌دهد. در طرف راست مکانی است که سیزده ذرع عرض آن است و چهار متر و نیم ارتفاع دارد و صورت پادشاهی که سوار اسب است دیده می‌شود و ترکش از پهلوی راست او آویخته. یک نفر پیاده از طرف راست که به پایش زنجیر می‌باشد دستش را گرفته و نیز در زیر سم ستور، شخصی مشاهده می‌شود. سه نفر از اهالی روم در جلوی اسب حجاری شده‌اند و یکی از آن‌ها به زانو درآمده و تضرع می‌کند.

در جلوی پادشاه ملکی است که به نظر می‌رسد از آسمان آمده و در دست او چیزی است مانند نصف حلقه و در سمت جلوی پادشاه در آن مسطحه پنج طاقچه نمایش داده‌اند: سه در پایین و دو در بالا و در هریک از آنها صورت سه مرد سپاهی است که حربه‌ای به دست دارند و دو نفر از آنها یک دستشان مثل این است که در آستین پنهان باشد و در عقب سر پادشاه دو دسته سوار است که همه دست راست خود را پیش صورت برده‌اند. این کنده‌کاری سابقاً خطوط پهلوی داشته که فعلاً از بین رفته و ترجمه‌اش این است:

«هرمزدپرست شاپور شاهنشاه»

### قلعه شاپور

قلعه شاپور بالای کوهی است که در دامنه آن دو مجلس که شرحش گذشت قرار دارد و آن قلعه اکنون منهدم و خراب است. تمام از گچ و سنگ بوده و عجیب بنایی است. در آن، عماراتی تو در تو و ایوان‌ها و سراهای شاهانه

ساخته بودند و سنگ‌های بزرگ از آن بنا و سرا بر زمین افتاده، عمارتش در وضع و طرزی غریب است و به قلعه‌های دیگری که دیده‌ایم شباهتی ندارد. اما قلعه شاپور از حیث محل چنان واقع شده که اطراف آن را همه آب گرفته و راه عبور در آنجا مسدود است مگر یک طرف از کوه که راهی داشته و از آن بالا می‌رفته‌اند و در آن راه هم چند جا سنگرها ساخته بوده‌اند که از یورش لشکر دشمن محفوظ و مصون باشند. این قلعه از شاپور اول است. در سمت راست یک قطعه از کوه را صاف و هموار نموده و در روی آن صورت‌ها نقر کرده‌اند و اما عرصه‌ای که در آن صورت است به شکل نیم دایره می‌باشد. در آنجا چند دسته صورت است که اکثر آنها اسب سوارند، همه مکمل و مسلح و صورت پادشاهی را نیز کشیده‌اند که بر فیل سوار است. صورت کالسکه‌ای نیز ساخته شده، مانند کالسکه‌ای که در تخت جمشید کشیده‌اند؛ اما این اشکال به حدی ضایع و نابود شده که نمی‌توان آن را مشخص نمود.

چند قدمی که از نقش مزبور بگذریم به مسطحه دیگری می‌رسیم که در آن صورت شاهی سوار بر اسبی منقور شده است. پر بر کلاه زده و ترکشی از طرف راست آویخته است. در مقابل پادشاه چند نفر ایستاده‌اند، و اسب به حضور آورده‌اند و برخی شتر. این مجلس نیز کمی محکوک است.

چند گامی که از محل مزبور بگذریم به مسطحه دیگری می‌رسیم که ارتفاع آن چهارمتر و عرضش نه متر است و در آن صورت دو سوار است یکی از آنها تاجی مدرج بر سر نهاده و پری چند بر آن نصب کرده است و گیسوبند نیز دارد و

پارچه‌ای عریض بر شانه بسته که باد آن را حرکت داده است. زنجیری از جانب راست آویخته، حلقه‌ای در دست راست گرفته و به سوی سوار مقابل دراز نموده اما بر آن حلقه پارچه‌ای بسته‌اند که سوار مقابل دست خود را دراز کرده و آن پارچه را گرفته است.

این سوار هم تاج کنگره‌داری بر سر دارد و پرنگی بر آن زده و در دست چپ حربه‌ای دارد، از پشت سر پارچه عریض را افکنده. در این مجلس دم اسبها را گویا تاب داده‌اند.

در پس سر این سوار بر سنگ خطوطی پهلوی نقر کرده‌اند که ترجمه آن این است:

«این است نقش اورمزد پرست خداوندگار، نرسز. شاهنشاه ایران و انیران [غیرایران] زاده آسمان، پسر اورمزدپرست خدایگان شاپور شاهنشاه ایران و انیران [غیرایران] نبیره اردشیر شاه شاهان.»

از مجالس فوق چند قدمی که بگذریم باز قطعه‌ای از کوه را صاف کرده و تصاویری در دل کوه منقور و منقوش نموده‌اند. عرض این قطعه ده متر و ارتفاعش چهار مترنیم. در آن مسطحه سه مجلس نمایش داده‌اند: یک مجلس در بالا و دو مجلس در پایین.

در مجلس بالا صورت پادشاهی است، در وسط بر روی کرسی نشسته، عصائی در دست دارد و در دو طرف آن پادشاه دو دسته نفرات ایستاده‌اند. دسته طرف راست پادشاه هفت نفرند با سرهای برهنه و همگی دست راست خود را بلند نموده پیش صورت برده‌اند [به نشانه ادای احترام] و با انگشت به چیزی اشاره می‌نمایند. سر این اشخاص کمی پایین است و اینان اهل روم‌اند. طرف

چپ پادشاه شش نفر نیز ایستاده‌اند. اینان نیز سرهاشان برهنه و دست راست خویش را به پشت کمر برده‌اند.

اما در مجلس پایین که به جانب دست راست پادشاه است شبیه اسبی بر سنگ منقور شده که زین بر پشتش گذارده‌اند و یک نفر دهنه آن را گرفته و ایستاده است. هفت نفر نیز به قطار در عقب آن اسب ایستاده‌اند.

در مجلس پایین که سمت چپ پادشاه است، شخصی مثل اینکه میرغضب باشد، دیده می‌شود. بر روی هر یک از دو دست او سر بریده‌ای است که گویا دو کس را سر بریده و از حضور پادشاه سرها را می‌گذرانند و یک طفل بسیار کوچک پهلوی آن میرغضب است که به دست خود دامان میرغضب را گرفته و در عقب سر آن طفل شخص دیگری که آن هم به نظر می‌آید جلاد باشد، سر بریده-ای را آورده است و در پشت سر آن جلاد چهار نفر ایستاده‌اند، مثل اینکه سپاهی باشند. باید گفته شود که نفرات دو مجلس پایین نیز سرشان برهنه است.

#### یادداشت‌ها

۱. غار شاپور.
۲. این مجسمه عظیم شاهنشاه ساسانی اینک به همت ارتش شاهنشاهی برپا داشته شده است.